

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

اکمال دین در غدیر
حقیقتی انکار ناپذیر

۵ دی ۱۳۸۶

۱۵ ذی الحجه ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله
على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ
لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^(۱) .

امروز کافروان از زوال آیین شما مأیوس شدند، بنابراین از آنها نترسید
و از مخالفت من بترسید! امروز دین شما را کامل کردم، و نعمت خود را
بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم.

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ
وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^(۲) .

ای پیامبر [ﷺ] آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است،
کاملاً به مردم برسان و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای، خداوند
تو را از خطرات احتمالی مردم نگاه می‌دارد و خداوند، جمعیت
کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند.

۱- سوره مائده، آیه ۳.

۲- سوره مائده، آیه ۶۷.

مقدّمه؛

با عرض تبریک و تهنیت فراوان به ساحت مقدّس حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) و همه شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در سراسر دنیا به دو مناسبت میلاد مسعود حضرت امام هادی علیه السلام و عید الله الأكبر، عید غدیر خم به خواست خداوند متعال قصد داریم با مطالعه آیات قرآن مجید و منابع مورد اعتماد اهل سنت در رابطه با واقعه غدیر خم مطالبی را بیان نماییم.

تفسیر و توضیح دو آیه‌ای که در رابطه با عید غدیر خم در صدر سخن بیان شد - آیه ۳ سوره مائده، معروف به آیه اکمال و آیه ۶۶ از همان سوره معروف به آیه ابلاغ - حائز اهمیّت بسزایی می‌باشد. قرن‌هاست که درباره این دو آیه شریفه، شأن نزول، زمان نزول، حوادث هنگام نزول و تفسیر آن بین علما و اندیشمندان فرق اسلامی بحث و گفتگو است. ما نیز در این مجال کوتاه و به مناسبت فرا رسیدن عید سعید غدیر خم، برای یافتن حقیقت، به بررسی واقعه غدیر خم و آیات مرتبط با آن می‌پردازیم.

تأمّلی در آیه اکمال؛

در آیه ۳ سوره مائده - آیه اکمال - خداوند متعال از روز بسیار مهمی سخن می‌گوید که در آن روز کفار از غلبه بر اسلام مأیوس شدند. نخست باید دریابیم این روز چه روزی است؟ و چرا تا این اندازه اهمیّت دارد؟

خداوند متعال در رابطه با آن روز می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ .

این چه روزی است که این قدر شایان توجه، اهمیت و عظمت است؟ در این روز چه حادثه‌ای رخ داده است که بنابر نص صریح قرآن مجید همه کافران را نا امید و مأیوس کرد؟

در این آیه خداوند سبحان پس از اینکه خبر یأس و ناامیدی کافران را در این روز به مسلمین اعلام فرمود از سه موضوع دیگر نیز خبر داد و فرمود:

۱ - ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ .

امروز، روزی است که من دین شما را کامل کردم. در این قسمت از آیه، خداوند سبحان کامل شدن، دین را به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید من دین را کامل کردم. و آن را به فاعل دیگری نسبت نمی‌دهد؛ همچنین آن را بدون فاعل و با صیغه مجهول هم بیان نمی‌کند.

۲ - ﴿وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ .

در این روز نعمتم را بر شما به انجام و اتمام رساندم. خداوند متعال اتمام نعمت را نیز به خود نسبت می‌دهد.

۳ - ﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ .

از این که اسلام دین شما باشد راضی و خشنود شدم.
در آیه اکمال با سه واژه کلیدی رو برو هستیم که عبارتند از:
۱ - اکمال ۲ - اتمام ۳ - رضای الهی.

شأن نزول آیه اکمال

در اینکه آیه اکمال در چه روزی و به چه مناسبتی نازل شده است در کتب روایی اهل سنت دو گانگی وجود دارد. برای یافتن پاسخ این پرسش به روایات موجود در منابع معتبر اهل سنت اشاره‌ای می‌نماییم.

۱- روایات دسته نخست؛

ابو هریره روایتی را بدین مضمون از رسول الله ﷺ نقل می‌کند:

«من صام يوم ثمان عشرة من ذي الحجة كتب له صيام ستين شهراً [سنة]، وهو يوم غدیر خم لما أخذ النبي ﷺ بيد علي بن أبي طالب، فقال: ألسنت وليي المؤمنين؟ قالوا: بلى يا رسول الله! قال: من كنت مولاه، فعلي مولاه فقال عمر بن الخطاب: بئحِّ بئحِّ لك يا ابن أبي طالب! أصبحت مولاي ومولى كل مسلم فأُنزل الله: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾»^(۱).

هر کس روز هجده ذی الحجّه را روزه بگیرد ثواب شصت ماه [سال] روزه داری برای او ثبت می‌شود. هجده ذی الحجّه روز غدیر خم است؛ روزی که رسول الله ﷺ دست [امام] علی ابن ابی طالب [ع] را گرفتند و فرمودند: آیا من ولی و امام مؤمنین نیستم؟ مردم عرض کردند: آری یا رسول الله ﷺ! سپس پیامبر ﷺ

۱- تاریخ بغداد، جلد ۸ صفحه ۲۹۰.

فرمودند: هر کس من امام او هستم، از این پس علی نیز امام و ولی او می‌باشد. [پس از سخنان رسول الله ﷺ] عمر بن خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام شاد باش گفت و عرض کرد: از امروز شما امام و ولی من و همه مسلمانان هستی آنگاه خداوند آیه **﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾** را نازل فرمود.

جمع کثیری از دانشمندان و علمای اهل سنت بر این باورند که زمان نزول آیه اکمال، روز هجده ذی الحجه و شأن نزول آن به مناسبت انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام به ولایت و جانشینی بلا فصل رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. به عنوان نمونه، چند منبع معتبر اهل سنت را نام می‌بریم که در آن به مطلب فوق اذعان و تصریح شده است.

۱ - تفسیر ابن کثیر^(۱) ۲ - شواهد التنزیل^(۲) ۳ - روح المعانی^(۳) ۴ - الدر المنثور^(۴) ۵ - الإیتقان^(۵) ۶ - تاریخ بغداد^(۶) ۷ - تاریخ مدینه دمشق^(۷) ۸ - مناقب خوارزمی^(۸) ۹ - تذکرة الخواص^(۹) ۱۰ - البداية والنهاية^(۱۰) ۱۱ - مناقب ابن

-
- ۱- جلد ۲ صفحه ۱۴.
 - ۲- جلد ۱ صفحه ۲۰۰.
 - ۳- جلد ۶ صفحه ۱۹۲.
 - ۴- جلد ۲ صفحه ۴۵۷.
 - ۵- جلد ۱ صفحه ۳۱.
 - ۶- جلد ۸ صفحه ۲۸۴.
 - ۷- جلد ۴۲ صفحه ۲۳۳.
 - ۸- صفحه ۱۳۵ و ۱۸۴.
 - ۹- صفحه ۱۸.
 - ۱۰- جلد ۷ صفحه ۳۸۶.

۲- روایات دستة دوم؛

با توجه به آنچه که بیان شد به این نتیجه رسیدیم که دستة اول روایات اهل سنت با باور شیعه در تاریخ و شأن نزول آیه اکمال مطابقت دارد ولی از آنجا که لازمة آیه اکمال و روایات متواتری که زمان و شأن نزول آن را بیان می‌کند، پذیرش بی قید و شرط ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد، برخی از دانشمندان اهل سنت برای گریز از لوازم آیه اکمال، روایات دیگری در رابطه با آن آیه، زمان و شأن نزول آن نقل کرده‌اند که ما به چند نمونه از این روایات اشاره‌ای می‌نماییم.

« إن أناساً من اليهود قالوا لو نزلت هذه الآية فينا لاتخذنا ذلك اليوم عيداً، فقال عمر: آية آية؟ فقالوا: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...﴾ فقال عمر: إنني لأعلم أي مكان أنزلت. انزلت ورسول الله صلى الله عليه وسلم واقف بعرفة »^(۳) .

گروهی از یهودیان گفتند: اگر این آیه بر ما نازل می‌شد، آن روز را جشن می‌گرفتیم، عمر گفت: کدام آیه؟ آنان گفتند: الیوم اکملت لكم دینکم... عمر در پاسخ گفت: من می‌دانم کجا این آیه نازل شد، هنگامی که رسول الله صلى الله عليه وسلم در عرفه ایستاده بودند نازل شد.

۱- صفحه ۱۸.

۲- جلد ۲ صفحه ۲۴۹.

۳- صحیح بخاری، جلد ۵، صفحه ۱۲۷ و مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۲۸.

در روایت دیگری عیسی ابن حارثه انصاری می‌گوید:

«كُنَّا جُلُوسًا فِي الدِّيْوَانِ فَقَالَ لَنَا نَصْرَانِي يَا أَهْلَ الْإِسْلَامِ ، لَقَدْ أَنْزَلَتْ عَلَيْكُمْ آيَةٌ لَوْ أَنْزَلَتْ عَلَيْنَا لَا تَتَّخِذُنَا ذَلِكَ الْيَوْمَ وَتِلْكَ السَّاعَةَ عِيدًا مَا بَقِيَ مِنَّا اثْنَانِ ، الْيَوْمَ اكْمَلْتِ ... ، فَلَمْ يَجِبْهُ أَحَدٌ ، فَلَقَيْتِ مُحَمَّدَ بْنَ كَعْبِ الْقِرَاطِي فَسَأَلْتَهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ أَلَا رَدَدْتُمُ عَلَيْهِ ، فَقَالَ : قَالَ عُمَرُ ابْنُ الْخَطَّابِ : أَنْزَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَهُوَ واقِفٌ عَلَى الْجَبَلِ يَوْمَ عَرَفَةَ فَلَا يَزَالُ ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدًا لِلْمُسْلِمِينَ»^(۱).

در دیوان نشسته بودیم، که یک مسیحی به ما گفت: ای مسلمانان، آیه‌ای به شما نازل شد، که اگر بر ما نازل می‌شد آن روز و آن ساعت را جشن می‌گرفتیم حتی اگر دو مسیحی بر روی زمین باشند. و سپس آیه‌ی الیوم اکملت لکم دینکم را قرائت نمود. کسی پاسخی به او نداد، تا اینکه محمد ابن کعب را دیدم و از او پرسیدم پاسخ چیست؟ او گفت: عمر می‌گوید: آن آیه بر پیامبر ﷺ نازل شد، در حالی که در عرفه و بر روی کوهی ایستاده بودند و آن روز همچنان برای مسلمانان عید می‌باشد.

لوازم پذیرش روایات گروه اول؛

در رابطه با آیه‌ی اکمال دو شأن نزول بیان نمودیم. اما به راستی کدام یک از

۱- الدر المنثور، جلد ۲ صفحه ۴۵۷.

این دو دسته روایات صحیح و مورد پذیرش می‌باشد؟ آیا شأن نزول اوّل صحیح است که اکثر علمای اهل تسنّن در کتب خود نقل نموده‌اند و نزول آن آیه را در روز هجده ذی الحجّه و به مناسبت ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌دانند؛ یا دومین گروه از روایات که عدّه اندکی از اهل سنّت آن را پذیرفته‌اند، و زمان نزول آیه را نهم ذی الحجّه و به مناسبت روز عرفه می‌دانند.

اگر اهل سنّت قول نخست را بپذیرند، تمام مبانی مکتب خلافت منهدم می‌شود. قائل شدن به اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم، امیرالمؤمنین علیه السلام را به ولایت و خلافت بلافصل خود منصوب نمودند، اساس مدرسه خلافت اهل سنّت و تمام مبانی فکری، کلامی، فقهی و اعتقادی آنان را متزلزل می‌کند و از بین می‌برد. یکی دیگر از لوازم پذیرش روایات دسته اوّل مواجه شدن نظریه عدالت صحابه با یک تناقض بزرگ و لاینحلّ است؛ زیرا عدم پذیرش روایات گروه دوم به معنای عدم صحّت گروهی از راویان و تکذیب ایشان و سلسله رجال موجود در آن روایات می‌باشد. بدیهی است که برخی از راویان روایات گروه دوم، از صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودند. آیا افتراء بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با عدالت قابل جمع می‌باشد؟

نقد اهل سنّت بر روایات گروه اول؛

اهل سنّت برای تضعیف و ردّ روایات گروه نخست دو راه در پیش گرفته‌اند. البته همانطور که بعداً ملاحظه می‌کنیم هیچ مغزّی برای آنان وجود

ندارد و هر دو راه آنان نا کار آمد است و با نقد جدی روبرو است.

راه اول آنها این بود که مهر بی اعتباری و غیر قابل اعتماد بودن بر پیشانی

روایات دسته اول بزنند و بدین وسیله آنها را از درجه اعتبار ساقط کنند.

مرحوم علامه امینی رحمته الله در کتاب شریف الغدير^(۱) به این توهّم اهل سنت

پاسخ داده است. ایشان تمام افرادی را که در سلسله سند حدیث قرار گرفته‌اند

مورد بررسی و مذاقه قرار داده است. ابو هریره و افراد دیگری که در سلسله سند

حدیث قرار دارند بر اساس مبانی علم رجال اهل سنت مورد اعتماد و وثوق

می‌باشند؛ چرا که اهل سنت در سایر موضوعات بدون هیچ دغدغه و تردیدی

روایاتی را که از این سلسله نقل شده است، پذیرفته‌اند. اگر آنان بخواهند در این

مورد سلسله مذکور را تضعیف نمایند، لا جرم باید از تمام مبانی رجالی خود دست

بر دارند.

راه دوم اهل سنت در تضعیف روایات دسته اول این است که آن روایات را

از مجموعه شیعیه دانسته‌اند و ادعا می‌کنند که آن روایات به وسیله گروهی از

شیعیان جعل شده و در کتب آنان راه یافته است.

در پاسخ به این توهّم نیز باید بگوییم بسی جای تعجب و شگفتی است!

شیعیان در چه زمان و مکانی آن قدر قدرت یافتند که بتوانند دوازده منبع مهم

اهل سنت را مورد دستبرد قرار دهند و تحریف کنند؟

شیعیان در طول تاریخ تحت فشار سخت و زیر نظر دستگاه حکومت قرار

۱- الغدير، جلد ۱ صفحه ۴۰۲.

داشته‌اند. آنان برای نشر و اشاعه کتابهای خود با مشکلات فراوانی روبرو بودند و به هیچ وجه نمی‌توانستند در کتابهای دیگران، آن هم کسانی که مورد حمایت حکومت وقت بودند، تحریف ایجاد کنند.

از طرف دیگر با اندک تأملی در می‌یابیم، افرادی که در سلسله روایات گروه نخست قرار دارند، همگی از وفاداران مکتب خلافت می‌باشند و در بین آنان فردی مجهول، غیر ثقه و یا متهم به حب و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام وجود ندارد. بنابر این احتمال جعل این دسته از روایات به وسیله شیعیان نیز احتمالی مردود و ناپذیرفتنی می‌باشد.

بررسی و نقد روایات دسته دوم؛

در مورد آیه اکمال در منابع اهل سنت با دو دسته از روایات روبرو شدیم. پرسش این است که کدام یک از این دو دسته روایات معتبر و صحیح است؟ برای بررسی صحت و سقم روایات روشهای مختلفی وجود دارد که یکی از بهترین روشها، روش متن‌شناسی است. با استفاده از این روش به بررسی روایات وارده در این زمینه می‌پردازیم و درجه اعتبار هر کدام را اندازه‌گیری می‌کنیم.

روایاتی را که در رابطه با آیه اکمال در منابع اهل سنت وجود دارد را به دو دسته تقسیم کردیم؛ دسته اول روایاتی بود که روز نزول آیه را هجده ذی الحجه بیان می‌کرد و گروه فراوانی از اهل سنت آن روایات را پذیرفته بودند. دسته دوم روایاتی بود که روز نزول آیه را نهم ذی الحجه یعنی روز عرفه می‌دانست و گروه

اندکی این دسته از روایات را نقل کرده و پذیرفته‌اند.

اگر روایات دسته دوم را بپذیریم باید روز عرفه را عید بدانیم؛ این را هم می‌دانیم که در مورد عید فطر و عید قربان که مسلمانان آنها را به عنوان دو عید بزرگ خود می‌شناسند آیه‌ای نازل نشده است. آیا روز عرفه و به عبارت دیگر، عید عرفه بالاتر از عید قربان و عید فطر است که برای آن آیه نازل شده است ولی برای دو عید دیگر هیچ آیه‌ای نازل نشده است؟ و چگونه ممکن است که عید عرفه مورد غفلت مسلمانان واقع شده باشد، به گونه‌ای که یهودیان و مسیحیان به اهمیت آن واقف باشند و نسبت به اهمیت آن به مسلمانان هشدار دهند؟ عید عرفه چه عیدی است که مسلمانان در طول خلافت و قدرت خلیفه دوم که خود قائل به عید بودن آن روز است، به دست فراموشی سپرده شده است؟

خلاصه اشکال نخست بر روایات دسته دوم این است که روز عرفه نمی‌تواند روز نزول آیه اکمال باشد؛ چون باید مسلمانان روز نهم ذی الحجه را عید بگیرند و آن روز را فراموش نکنند، در حالی که در تاریخ به این مسأله اشاره نشده است. ثانیاً در رابطه با عید قربان و عید فطر که مسلماً دو عید بزرگ مسلمانان است در قرآن مجید، آیه‌ای ذکر نشده است.

اشکال دیگری که بر روایات دسته دوم وارد می‌شود این است که، عید قربان و عید فطر، احکام و آداب خاص و مشابهی دارد. در این دو روز، روزه گرفتن حرام است، اعمال و ادعیه‌ای خاص در آن وارد شده و به شب زنده داری تأکید فراوانی شده است. ولی اگر تمام کتب فقهی و روایی اهل سنت را جستجو

کنیم برای روز عرفه به عنوان یک عید اسلامی با چنین اعمال و احکام خاصی بر نخواهیم خورد.

اشکال سوّم بر روایات دسته دوّم را می‌توان این گونه بیان نمود. عید فطر در پایان ماه رمضان قرار دارد؛ ماهی که مسلمانان در ساعات معینی از خوردن و آشامیدن و برخی افعال دیگر منع شده‌اند و روزی که این ممنوعیت و محدودیت بر طرف شود مسلمانان عید می‌گیرند و لباس زیبا می‌پوشند. عید قربان نیز روزی است که یک سلسله از محدودیتها و ممنوعیتها از کسانی که مناسک حجّ را به جای می‌آورند برداشته می‌شود. پس از پایان دو ممنوعیت، مسلمانان عید و جشن می‌گیرند، لباس نو می‌پوشند و خود را معطر و خوشبو می‌کنند. اگر روز عرفه نیز عید باشد، باید شباهتی با عید فطر و قربان داشته باشد، در حالی که چنین نیست و حجّاج در روز عرفه همچنان در محدودیت به سر می‌برند و حتی نمی‌توانند یکی از لوازم عید گرفتن چون شانه کردن، عطر زدن و آراستن خود را انجام دهند.

آخرین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ؛

اگر بپذیریم که آیه اكمال در روز عرفه نازل شده است دیگر نمی‌توانیم آیه ابلاغ را تفسیر و تبیین نماییم؛ زیرا در آیه ابلاغ، خداوند سبحان با شدّت و حدّت پیامبر ﷺ خود را تهدید می‌کند که باید آنچه را که به تو دستور داده‌ایم ابلاغ نمایی. این چه امر مهمی است که پیامبر ﷺ باید آن را ابلاغ نمایند؟

برخی از علمای اهل سنت به این مسأله پی بردند و دریافتند در صورتی آیه ابلاغ قابل تفسیر است که آیه اکمال در روز غدیر نازل شده باشد. لذا برای رهایی از این بن بست ادعا کرده‌اند که آیه ابلاغ در سالهای نخست بعثت رسول الله ﷺ نازل شده است. خداوند سبحان، در این آیه پیامبر ﷺ را مأمور و موظف می‌کند که حتماً دستورهای او را به همگان ابلاغ نماید؛ زیرا در آن سالها پیامبر ﷺ از ابلاغ رسالت خائف بودند. این دسته از علمای اهل سنت باید بدانند که راه حل آنان مقرون به صحت نمی‌باشد؛ زیرا تمام علما و مفسران درجه اول اهل سنت اذعان دارند که سوره مائده آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر ﷺ نازل شد.

چگونه امکان دارد که سوره مائده آخرین سوره نازل شده بر رسول الله ﷺ باشد، اما آیه ابلاغ در سالهای نخست رسالت نازل شده باشد؟ روایات فراوانی در کتب اهل سنت وجود دارد که بیان می‌کند سوره مائده آخرین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ می‌باشد. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌نماییم.

«إنَّ آخِرَ سُورَةٍ نُزِّلَتْ، سُورَةُ الْمَائِدَةِ»^(۱).

سوره مائده آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر ﷺ نازل شد.

«نُزِّلَتْ سُورَةُ الْمَائِدَةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي حِجَّةِ الْوَدَاعِ فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ

۱- مستدرک حاکم، جلد ۲ صفحه ۳۱۱، تفسیر ابن کثیر، جلد ۲ صفحه ۳، مسند احمد، جلد ۶ صفحه ۱۸۸ السنن الکبری، جلد ۷ صفحه ۱۷۲.

والمدينة وهو على ناقته ... فبركت به راحلته من ثقلها»^(۱).

سوره مائده در حجّه الوداع و در منطقه‌ای میان مکه و مدینه بر پیامبر ﷺ نازل شد، در حالی که ایشان سوار بر شتر بودند ... و شتر از سنگینی آیه توقّف کرد و نشست.

به خاطر سنگینی آیات سوره مائده به خصوص تهدید و انذار خداوند نسبت به رسول الله ﷺ در رابطه با ابلاغ پیام مهمّ، مرکب پیامبر ﷺ از حرکت باز می‌ایستد و توان حمل رسول الله ﷺ را از دست می‌دهد.

«قال رسول الله ﷺ المائدة من آخر القرآن تنزيلاً فأحلّوا حلالها وحرّموا حرامها»^(۲).

پیامبر ﷺ می‌فرمایند: سوره مائده آخرین سوره نازل شده قرآن می‌باشد، پس حلال آن را حلال دارید و حرام آن را حرام دانید.

همانطور که بیان کردیم عده‌ای از اهل سنت بر این نظراند که آیه ابلاغ در سالهای آغازین بعثت نازل شده است. خالی از لطف نیست که بدانیم منشأ این نظریه روایتی است که عایشه نقل می‌کند. از او نقل شده است که آیه ابلاغ در سالهای نخست رسالت نازل شد و در آن سالها همواره کسانی همراه پیامبر ﷺ بودند و از ایشان محافظت می‌کردند^(۳). پرسش مهمّ ما از اهل سنت این است که عایشه در آن سالها کجا بوده و چه سنی داشته است؟ با مراجعه به منابع تاریخی

۱ و ۲- الدر المنثور، جلد ۲ صفحه ۴۴۶.

۳- الدر المنثور، جلد ۲ صفحه ۵۲۹.

اهل سنت، مطلب جالبی برای ما روشن می‌شود و آن اینکه در سال دهم بعثت عایشه شش سال داشته و این بدان معنی است که وی در سال چهارم بعثت متولد شده است^(۱).

همچنین اگر بپذیریم که آیه ابلاغ در سالهای اول نازل شده است، اجماع علمای اهل سنت مبنی بر این که سوره مائده آخرین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ می‌باشد را چگونه باید تبیین و توجیه نمود؟

چنانکه ملاحظه می‌کنید تا بدین جا اهل سنت از هر راهی رفته‌اند گرفتار تناقض شده و به بن بست خورده‌اند.

بررسی آیه ابلاغ؛

در آیه ابلاغ خداوند متعال، به پیامبر ﷺ هشدار می‌دهد که اگر امر ما را ابلاغ و اعلان‌نمایی و وظیفه رسالت خود را انجام ندادهای و تمام تلاشها و زحمات بیست و سه ساله تو تباه و ضایع خواهد شد. پرسش این است که در آن سالهای آغازین بعثت رسول الله ﷺ چه امر و دستور مهمی بر پیامبر ﷺ نازل شد، که عدم ابلاغ آن معادل تباه شدن و از بین رفتن همه زحمات پیامبر ﷺ می‌گردد؟

آری! اگر نزول آیه ابلاغ را پس از آیه اکمال بدانیم، و شأن و روز نزول آیه

۱- طبقات الكبرى، جلد ۸ صفحه ۵۸، وفيات الأعیان، جلد ۳ صفحه ۱۶، المستظم، جلد ۳ صفحه ۱۶.

اکمال را طبق روایات دسته اول - روز غدیر و انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت بلا فصل پس از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - تفسیر کنیم، در خواهیم یافت که منظور از آن امر مهم چیست و چرا خداوند سبحان بر ابلاغ آن تأکید فراوان دارد.

حتی می‌توان پای را از این هم فراتر نهاد و گفت بدون در نظر داشتن تفاسیر و آیات دیگر، مضمون آیه ابلاغ به روشنی نشان می‌دهد که زمان نزول این آیه در ماههای پایانی رسالت و اواخر عمر گرانقدر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. در ادامه آیه ابلاغ خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ .

خداوند تو را از خطرات مردم نگاه می‌دارد.

این فراز از آیه به دو مطلب اشاره می‌کند:

۱ - اهمیت پیامی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باید ابلاغ می‌کردند؛

۲ - افراد خطرناکی که پیرامون رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گرد آمده بودند.

در مباحث گذشته مفضلاً به این مطلب که گروهی از توطئه‌گران، نیت شوم ترور رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در سر می‌پروراندند و قصد داشتند که در بازگشت از غزوه تبوک به آن جامعه عمل بپوشانند پرداختیم^(۱). این افراد آن قدر خطرناک بودند که اگر آیه‌ای در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام نازل می‌شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مواردی زیر لب فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام را زمزمه می‌کردند اما جرأت اظهار و ابراز آن را نداشتند.

۱- برای توضیح بیشتر بنگرید به جزوه شماره ۳۶.

با تأمل در آیهٔ ابلاغ در می‌یابیم که رسالت پیامبر ﷺ هنوز به پایان نرسیده و امر مهمی وجود دارد که هنوز ابلاغ نشده است، و اکمال و اتمام دین و رضایت پروردگار وابسته به ابلاغ و اعلان آن پیام می‌باشد.

پیام مهم و صلابت وحی الهی؛

خداوند سبحان در این آیه با صلابت خاصی با پیامبر ﷺ سخن می‌گوید. خداوند رؤوف، رحیم و مهربانی که در طول دوران رسالت پیامبرش ﷺ با او این گونه شدید سخن نگفته است چه مطلب و موضوع مهمی پیش آمده است که این گونه ابلاغ این پیام را به تمام رسالت پیوند می‌زند؟ پیامبر ﷺ در آغاز رسالت و مأموریت خود را بسیار به زحمت و مشقت می‌افکندند تا جایی که خداوند متعال ایشان را از این کار باز می‌دارد و می‌فرماید:

﴿ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ۝ (۱) .

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت افتی .

در آیه‌ای دیگر خداوند سبحان به جان برگزیده و محبوبش

رسول الله ﷺ سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید:

﴿ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ (۲) .

به جان تو سوگند، اینها در مستی خود سرگردانند.

۱- سوره طه، آیه ۲.

۲- سوره حجر، آیه ۷۲.

پیامبر اسلام خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد و حلال و حرام او تا روز قیامت قابل تغییر نیست، حبیب و برگزیده خداست و همیشه مورد لطف و رحمت خاص الهی می‌باشد. اما همین که امر مهمی به میان آید، خطاب الهی رنگ دیگری به خود می‌گیرد از رسولش درخواست می‌کند نهراسد و پیام او را بدون درنگ ابلاغ کند که در غیر این صورت ثمرات و نتایج رسالت تباه خواهد شد.

هدف بعثت انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام؛

حال که سخن بدین جا رسید و اکمال رسالت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در گرو ابلاغ پیامی مهم قرار گرفت، مناسب است که توضیحی در رابطه با رسالت انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام داده شود.

علت غایی، از مهمترین علل چهارگانه می‌باشد. در فلسفه برای تبیین هر شیء، بیشتر به علت غایی و انگیزه و هدف آن شیء می‌پردازیم. با این مقدمه کوتاه این سؤال مطرح می‌شود علت غایی، هدف و انگیزه از بعثت انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام چیست؟ آنان برای ابلاغ چه پیامی به بشریت آمده‌اند؟ خداوند سبحان در قرآن مجید به این پرسش پاسخ داده و می‌فرماید:

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^(۱).

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

خداوند بر مؤمنان مَنّت نهاد هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بخواند و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد، و البته بیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^(۱).

او کسی است که در میان جمعیتِ درس‌نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

در دو آیه فوق نکات تفسیری فراوانی نهفته است. اما اجمالاً می‌توان

گفت که سرّ بعثت انبیاءﷺ و علّت غایبی ارسال رسل عبارت‌اند از:

۱ - خواندن آیات الهی؛ ۳ - تعلیم کتاب؛

۲ - تزکیه؛ ۴ - آموزش حکمت.

جایگاه کتاب الهی؛

انسانها در سایه انبیاءﷺ که با وحی و کتاب آسمانی تأیید شده‌اند به

بالاترین درجه کمال و اندیشه دست می‌یابند.

۱- سوره جمعه، آیه ۲.

خداوند سبحان در رابطه با کتابش می‌فرماید:

﴿الرَّكْتُابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾^(۱).

الراین کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکیها به سوی روشنایی به فرمان پروردگارشان در آوری، به سوی راه خداوند توانا و ستوده.

﴿وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾^(۲).

و از قرآن آن چه شفا و رحمت است برای مؤمنان نازل می‌کنیم.

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ﴾^(۳).

و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

قرآن کتابی است که بیانگر همه احتیاجات بشر، می‌باشد و شفا، رحمت و هدایت برای مؤمنان است. اما آیات قرآن متفاوت است و هر کسی توان درک و فهم همه آیات را ندارد.

خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید:

۱- سوره ابراهیم، آیه ۱.

۲- سوره اسراء، آیه ۸۲.

۳- سوره نحل، آیه ۸۹.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^(۱).

او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است، که اساس این کتاب می‌باشد. و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می‌گردد. و قسمتی از آن متشابه است [آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول احتمالات مختلفی در آن می‌رود ولی با توجه به آیات محکم تفسیر آنها آشکار می‌گردد] اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات اند تا فتنه انگیزی کنند و مردم را گمراه سازند و تفسیر نادرستی برای آن می‌طلبند، در حالی که تفسیر آنها را جز خدا، و **راسخان در علم نمی‌دانند** (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی هستند)، می‌گویند ما به همه آن ایمان آوردیم، همه از طرف پروردگار ما است، و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند و این حقیقت را درک نمی‌کنند.

بنابر آیه فوق، فهم برخی از آیات قرآن در انحصار خداوند متعال و

۱-سوره آل عمران، آیه ۷.

راسخان در علم می‌باشد. برخی از اهل سنت چون راسخان در علم را نمی‌شناسند و یا نمی‌خواهند که بشناسند، در قرائت آیه دخل و تصرفی کرده‌اند و می‌گویند در ﴿الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾ باید وقف لازم نمود؛ در نتیجه جمله ﴿الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾ یک جمله مستأنفه خواهد شد، در حالی که هر کس به ادبیات عرب آشنایی اندکی داشته باشد می‌داند که حرف واو در آیه واو عاطفه می‌باشد.

اگر قائل شویم که فهم متشابهات و برخی از آیات قرآن در اختیار خداوند است، قرآن مجید همانند خزانه و صندوقچه‌ای خواهد شد که کلید آن در دستان خداوند سبحان است و کسی را به درون آن راهی نیست. حال این پرسش مطرح می‌شود که در نزول این آیات چه بهره و فایده‌ای می‌باشد؟ اگر بنای خداوند این بود که تفسیر آن آیات را فقط خود بداند، دیگر ضرورتی برای نزول آن آیات وجود نداشت و قطعاً نزول چنین آیاتی با حکمت الهی در تضاد بود.

مفسران حقیقی کلام الهی؛

حال که دریافتیم راسخان در علم از فهم آیات قرآن مجید بهره‌مندند، شناخت آنان ضروری می‌شود. راسخان در علم کسانی هستند که طهارت ظاهری و باطنی دارند؛ با طهارت ظاهری قرآن مجید را لمس می‌کنند و با طهارت باطنی به اعماق قرآن مجید راه می‌یابند، خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید:

﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^(۱).

جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند.

آنان گواهان و شاهدان این امت‌اند و نزد خداوند متعال و رسول الله ﷺ

برای این امت شهادت و گواهی می‌دهند.

جز وجود مقدّس و مبارک امیرالمؤمنین عليه السلام و فرزندان طاهرینش عليهم السلام چه

کسانی دارای اوصاف و ویژگی‌های فوق می‌باشند؟ چه کسانی می‌توانند قفل

اسرار و رموز کتاب الله را بگشایند؟

چه کسی می‌تواند ادّعا کند؛

«سلوني قبل أن تفقدوني فلأنا بطرق السماء أعلم منّي بطرق

الأرض»^(۲).

از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید، که من راههای آسمان را بهتر از

راههای زمین می‌دانم.

امیرالمؤمنین عليه السلام در جای دیگر می‌فرمایند:

«سلوني عن كتاب الله فوالله ما من آية إلا وأنا أعلم أبليّل نزلت أم بنهار في

سهل أو في جبل»^(۳).

از کتاب خدا از من بپرسید، به خدا سوگند هیچ آیه‌ای نیست مگر آن که

می‌دانم در شب نازل شد و یا روز، در زمینی هموار نازل شد یا در کوه.

۱- سورة واقعه، آیه ۷۹.

۲- نهج البلاغه، خطبة ۱۸۹.

۳- از منابع اهل سنت بنگرید به: الإقتان، جلد ۲ صفحه ۳۱۹، فتح الباری، جلد ۸ صفحه ۳۸۵ عمدة القاری، جلد ۹ صفحه ۱۶۷، کنز العمال، جلد ۲ صفحه ۵۶۹.

در اکثر منابع معتبر اهل سنت آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام بارها فرموده‌اند:

«سلوني قبل أن تفقدوني»^(۱).

پیش از آنکه مرا از دست بدهید پرسش‌هایتان را از من بپرسید. این ادعا، ادعای کوچکی نیست؛ زیرا در برابر بزرگان صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چون سلمان فارسی، ابوذر غفاری و ابن عباس مطرح گردیده است، و همه آنان احاطه و وسعت علمی، امیرالمؤمنین علیه السلام را پذیرفته و در برابر ایشان کمر خم می‌کنند.

آیا به جز حضرات معصومین علیهم السلام کسی می‌تواند از اسرار قرآن رمزگشایی نماید. چه کسی جز آنان می‌تواند ادعا کند که با رموز حروف مقطعه آشنا است؟

عمر و اعتراف به جهالت؛

آیا کسی که فرق عدالت و مساوات را نمی‌داند می‌تواند مفسر و مبین کلام الهی باشد؟ عمر بن خطاب روزی در پاسخ به مسأله‌ای گفت: هیچ زنی حق ندارد مهریه‌ای بالاتر از مهر السنه داشته باشد. در همان جا خانمی که در مجلس حضور داشت با قرائت آیه‌ای از قرآن مجید رأی خلیفه را به چالش کشید و گفت خداوند متعال می‌فرماید:

۱- تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۲ صفحه ۴۰۰، کنز العمال، جلد ۱۳ صفحه ۱۶۵، شواهد التنزیل، جلد ۱ صفحه ۴۲.

﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِخْلَافًا فَلَآتَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾^(۱).

و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی به عنوان مهر به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید، آیا برای باز پس‌گیری مهر زنان به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید!؟

خلیفه دوم که در برابر این منطق قوی و روشن پاسخی نداشت با

شرمندگی تمام گفت:

«كُلُّ النَّاسِ أَفْقَهُ مِنْ عَمْرِ حَتَّى رِبَّاتِ الْحِجَالِ»^(۲).

همه مردم از عمر به احکام دین آشناتراند، حتی زنان پرده‌نشین. کسی که نمی‌تواند حتی پرسشهای ساده را پاسخ گوید، چگونه می‌تواند مفسر ربّانی آیات و کلمات الهی باشد؟

روزی شخصی یهودی به مسجد می‌رود و می‌گوید: خداوند متعال در

قرآن می‌فرماید:

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾^(۳).

خداوند رحمان بر عرش استیلا یافت.

۱- سوره نساء، آیه ۲۰.

۲- از منابع اهل سنت بنگرید به، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱ صفحه ۱۸۲، تفسیر القرطبی، جلد ۵ صفحه ۹۹.

۳- سوره طه، آیه ۵.

آیا خداوند شما در آسمان است و بر روی زمین خدایی ندارید؟ و عمر که از پاسخ درمانده بود، پاسخی به جز فحاشی نداشت! آری فحاشی، منطقی و آخرین سلاح چنین افرادی است.

معیّت امیرالمؤمنین علیه السلام و قرآن مجید؛

روایات فراوانی در مقام و منزلت امیرالمؤمنین علیه السلام در کتب روایی فریقین - شیعه و سنی - وجود دارد. از جمله روایاتی که شایسته است در آن اندکی تأمل نماییم، روایتی است که از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. ایشان در رابطه با امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«عليّ مع القرآن والقرآن مع عليّ»^(۱).

[حضرت] علی علیه السلام همراه قرآن است و قرآن همراه [حضرت] علی علیه السلام است.

در قسمت اول روایت معیّت و همراهی امیرالمؤمنین علیه السلام با قرآن ثابت می‌شود و هنگامی که چنین معیّتی ثابت شد، دیگر تکرار آن وجهی ندارد و معیّت قرآن مجید با امیرالمؤمنین علیه السلام نیز ثابت می‌شود. پرسش این است که چرا در فراز دوم روایت این معیّت تکرار شده است و رمز این تکرار چیست؟

همراه بودن شیء با شیء دیگر نشان دهنده فضیلت و شرافت امر دوم

۱- از منابع اهل سنت بنگرید به مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۱۲۴، کنز العمال، جلد ۱۱ صفحه ۶۰۳.

می‌شود؛ به عبارت دیگر، همراهی امیرالمؤمنین علیه السلام با قرآن مجید، نشان دهنده شرافت و افضلیت قرآن مجید می‌باشد. برای اینکه چنین توهّم نشود که امیرالمؤمنین علیه السلام از قرآن مجید کسب شرافت و فضیلت می‌کند، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بلا فاصله فرمودند: قرآن مجید نیز همراه با امیرالمؤمنین علیه السلام است، یعنی، قرآن مجید نیز از همراهی و معیت امیرالمؤمنین علیه السلام کسب شرافت و فضیلت می‌کند. قرآن مجید، کلام الله تشریحی است اما امیرالمؤمنین علیه السلام و یازده فرزند گرامی ایشان علیهم السلام کلمات الله تکوینی هستند. آنان مفسران آیات الهی هستند و به اسرار، رموز و اعماق آن آشنا هستند. حال می‌توان به سرّ اکمال دین و اهمیّت پیامی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم موظّف شدند آن را ابلاغ نمایند، پی برد.

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خودآزمایی؛

- ① آیه اکمال کدام آیه قرآن است و حاوی چه مطالبی است؟
- ② اکثریت علمای اهل سنت در رابطه با شأن نزول و زمان نزول آیه اکمال چه می‌گویند؟
- ③ لوازم پذیرش روایت ابو هریره در رابطه با آیه اکمال چیست؟
- ④ نظر کسانی که روز عرفه را عید می‌دانند نقد کنید.
- ⑤ نظر عایشه در مورد زمان نزول آیه ابلاغ را نوشته، آن را نقد کنید.
- ⑥ مرحوم علامه امینی رحمته الله علیه چگونه درستی سند روایات اهل سنت در مورد آیه اکمال و غدیر را ثابت کرده است؟
- ⑦ آخرین سوره‌ای که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد چه بود؟
- ⑧ هدف از بعثت انبیاء علیهم السلام چیست؟
- ⑨ چه کسانی به اسرار کتاب الهی آشنا هستند؟
- ⑩ امیرالمؤمنین علیه السلام در رابطه با عمق آشنایی خود با قرآن مجید چه می‌فرماید؟
- ⑪ چه کسی و در چه واقعه‌ای گفت، زنان پرده نشین نیز از من در احکام دینی آشناتراند؟
- ⑫ معیت و همراهی قرآن مجید با امیرالمؤمنین علیه السلام به چه معنایی می‌باشد؟

به سوی معرفت ۳۸

۴

اگر اهل سنت قول نخست را بپذیرند ،
تمام مبانی مکتب خلافت منهدم
می شود . قائل شدن به اینکه
رسول الله ﷺ در روز غدیر خم ،
امیرالمؤمنین علیه السلام را به ولایت و خلافت
بلافضل خود منصوب نمودند ، اساس
مدرسه خلافت اهل سنت و تمام مبانی
فکری ، کلامی ، فقهی و اعتقادی آنان را
متزلزل می کند و از بین می برد .
(صفحه ۱۰ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷_۴۴۴۹۹۳۳ :نمبر